

نگاهی به دیوان عمید تصحیح استاد نذیر احمد

ماریه بلقیس*

استاد نذیر احمد از محققان مشهور زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند است که آثار گرانبهای بسیاری از خود به یادگار گذاشته است. وی نقش مهمی در احیا و معرفی شاعران و آثارشان ایفا کرده است. تصحیح دیوان عمید لویکی نمونه‌ای از پژوهش‌های ارزشمند استاد گرانمایه است.

عمید از شاعران نامور و توانای عصر ناصرالدین محمود و سلطان مسعود به‌شمار می‌رود که در قصیده‌سرایی و غزل‌گویی استاد بوده است. متأسفانه دیوان کامل وی به‌دست ما نرسیده است و اشعارش فقط در تذکره‌ها، تاریخ‌ها، بیاض‌ها و فرهنگ‌ها باقی مانده است. اشعار این شاعر در فرهنگ‌های مشهور فارسی مانند فرهنگ سروری و فرهنگ جهانگیری برای توضیح لغات و ترکیبات نقل شده است که دال بر شهرت و ارزش کلام اوست. فقط در فرهنگ جهانگیری بیش از صد شعر از او به‌صورت شاهد معنی نقل شده است.

برای نخستین بار دکتر اقبال حسین در مقاله دکترای خود با عنوان *Early Persian Poets of India* با استفاده از تذکره عرفات‌العاشقین، خلاصه‌الاشعار تقی کاشی (تألیف: پس از ۹۸۵ ق) و منتخب‌التواریخ بدایوانی (تألیف: ۱۰۰۴ ق) اشعار عمید را بررسی کرده است. پس از آن پروفیسور عبدالغنی و آقای صباح‌الدین عبدالرحمن (بزم مملوکیه) با آثار خود عمید را معرفی و اشعارش را نقل کردند؛ ولی آنها اطلاعات جدیدی بجز آنچه دکتر اقبال حسین عرضه کرده بود، ارائه نکردند.

* استاد بازنشسته فارسی دانشگاه اسلامی علیگره، علیگره.

سپس پروفیسور نذیر احمد در مجله فکر و نظر (اکتبر ۱۹۶۴ م) مقاله‌ای پرمغز درباره عمید لویکی با استفاده از مونس‌الاحرار کلاتی (تألیف: ۷۰۲ ق) و مونس‌الاحرار جاجرمی (تألیف: ۷۴۱ ق) و خلاصه‌الاشعار و مجله ارمغان (۱۳۱۹ ش، ج ۲۱) نوشت و درباره عمید اطلاعات مفیدی فراهم کرد.

پروفیسور نذیر احمد به مسائل حفظ و پیشرفت و توسعه میراث علمی و فرهنگی قرون میانه علاقه بسیاری داشت و همیشه در جستجوی متون گم‌شده و نایاب و کمیاب بود. وی هیچ‌وقت از محتویات مقاله خود آسوده نبود و در صدد یافتن نکته‌های تازه و نایاب ادبی و تاریخی بود تا با کمک آن مطالب درست و نادرست را تشخیص دهد.

نسخه‌ای خطی در بمبئی کشف شد و پروفیسور نذیر احمد آن را برای کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علی‌گره خریداری کرد. پس از مطالعه معلوم شد که این نسخه شامل اشعار عمید، ازرقی و بدرچاچ هست. استاد پس از مطالعه دقیق این نسخه به این نتیجه رسید که شاعر منظومه‌های موجود در این نسخه به‌طور حتم عمید است. چهار عدد از این منظومه‌ها در منتخب‌التواریخ بدایوانی، یکی در مجموعه لطائف و سفینه ظرائف سیف جامی هروی و اشعار متفرقه در فرهنگ جهانگیری و سروری (لغت مجمع‌الفرس) و دو قصیده در ارمغان از روی سفینه کهنسال (اسمش نامعلوم) به نام عمید لویکی درج شده است.

این نسخه ۵۱ منظومه شامل قصیده و قطعات، یک ترکیب‌بند و یک رباعی دارد و مجموع ابیات این نسخه ۱۳۸۳ است.

استاد نذیر احمد علاوه بر این، چهارده قصیده، یک ترکیب‌بند، چند قطعه و ۸۸ بیت متفرقه را به کمک عرفات‌العاشقین، خلاصه‌الاشعار، فرهنگ جهانگیری، فرهنگ سروری، بیاض محمد بن یغمور، مونس‌الاحرار جاجرمی، مونس‌الاحرار کلاتی، مجموعه لطائف و سفینه ظرائف و منتخب‌التواریخ بدایوانی مقایسه و مقابله کرد و همه منظومه‌ها را به ترتیب الفبا مرتب کرد و با مقدمه‌ای مبسوط و سودمند و ادبی همراه با تحشیه و تعلیقات محققانه و پرارزش به صورت دیوان جمع‌آوری کرد و در لاهور پاکستان در سال ۱۹۸۵ م به چاپ رساند.

پس از کشف نسخه عمید معلوم شد که آن هشت منظومه‌ای که در مونس‌الاحرار کلاتی و مونس‌الاحرار جاجرمی و خلاصه‌الاشعار و ارمغان به نام عمید نقل شده بود و استاد پیش از این در مقاله خود این انتساب به عمید را اشتباه دانسته بود، چهار منظومه الحاقی نیست، بلکه به عمید تعلق دارد.

پروفسور نذیر احمد در مقدمه دیوان اشتباه و اختلاف مورخان و تذکره‌نویسان و نویسندگان درباره اسم و لقب، حسب و نسب، وطن شاعر و نظر خود را در این باره بسیار مدلل با شواهدی از اشعار خود عمید بیان کرده است؛ مثلاً اسمش عمید، عمیدالدین، عمیدالملک و لقبش فخرالملک، فخرالدین، فخرالدوله بیان شده است. استاد این اختلافات را با نقل قولی از عرفات رفع کرده است.

«گویند نامش عمیدالدین و لقبش فخرالملک اما برای لقبش شعر عمید خود روشن‌تر است و هیچ وضاحتی در کار نیست».

عمید اسم تو فضل‌الله نبودی منزل از گردون اگر بر فرق تو سایه نه از فضل‌الله هستی برای نسبت به سنام شعر عمید را شاهد آورده است:

بنده عمید از ثنات صیت شعر موبد گرفت تا ابد از وی چنانک یافته سنام نام

پروفسور نذیر احمد اهمیت سیاسی سنام در قرن ششم و هفتم هجری را با نقل قولی از طبقات ناصری نشان می‌دهد:

«رایات اعلی در ماه شعبان سال ۶۵۲ ق به طرف سنام و تبر هند حرکت فرمود و

عید فطر در سنام کرد... رایات اعلی از سنام به هانسی آمد». (مقدمه، ص ۴)

پروفسور درباره درباره لویکی نیز تحقیقی شایسته کرده و نسبت تولکی، لومکی، نونکی، بومکی، و دیلمی را کاملاً غلط و تصحیف لویکی قرار داده است.

استاد در مقاله خود به پیروی از دیگر نویسندگان، تولک را وطن شاعر معرفی کرده بود؛ اما پس از دریافت نسخه عمید آن را اشتباه قلمداد کرد و او را از خانواده‌ای بسیار بلندمرتبه می‌داند. استاد نتیجه تحقیقات خود درباره این خانواده را در تعلیقات خود که در آخر دیوان موجود است به تفصیل ذکر کرده است. سال ولادت عمید از شعر زیر معلوم می‌شود:

در سر نون و دال عمر از پس خا و نون و ها شکر که مرغ همتم رست به جهد زین شرک

استاد نتیجه گرفته است که شاعر هنگام نوشتن این قصیده ۵۴ سال داشته است. نتیجه جمع اعداد: $n=50 + d=4 = 54$ و پس از $x=600 + n=50 + e=5 = 655$ سال نوشتن این قصیده و به این صورت سنه ولادت عمید ۶۰۱ هجری است. استاد چند شعر دیگر عمید را نیز شاهد آورده است:

من اندر خانه شصت این صد و یک بیت بر بستم

ز بعد ششصد و پنجاه و هشت از فضل ربّانی

استاد می نویسد:

«اگر ولادت او در سال ۶۰۱ ق بوده باشد، پس موقع سرودن این قصیده بالای

۵۷ سال بوده و این درست به نظر می آید؛ زیرا که هنوز او در «خانه شصت» بود.»

پس از آن استاد درباره منصب و شغل عمید مطالبی بیان می کند و با استفاده از فرهنگ دهخدا، مغزن الغرایب و نزهة الخواطر و منتخب التواریخ ثابت می کند که وی در دوره سلطان محمد در حدود سال ۶۷۸ ق به منصب مشرف فایز بوده است.

پروفسور نذیر احمد درباره هر یک از ممدوحان عمید به ویژه درباره سلطان علاءالدین مسعود با استناد به تواریخ، یادداشت مفصلی نوشته است و براساس تاریخ محمدی، طبقات ناصری و لطائف و سفینه ظرائف سال جلوس بر تخت دهلی و واقعات گفتنی آن دوره، وابستگی عمید به دربار سلطان و نوشتن قصیده در مدح او و... را مفصل بیان کرده است.

عمید دو قصیده در مدح تاج الدین ابوبکر بن ایاز نوشته؛ اما در قصیده زیر اسمش را بوبکر بن ایاز گفته است:

فرزانه تاج و دولت بوبکر بن ایاز آنکو دو قلب بر درد از زخم یک خدنگ

و در قصیده دیگر نام ممدوح را تاج دین حق ابوبکر می آورد:

فرزانه تاج دین حق جودش به دهر اندر خلق

مدحش نگار پر ورق در منزلت سر دفتری

این دو شعر خواننده را به اشتباه می اندازد که افراد نامبرده دو شخص جداگانه ای هستند؛ اما پروفسور نذیر احمد با مثال و استناد تاریخی هر دو شخص را یکی دانسته است.

عمید در مدح تاج‌الدین سنجر نیز قصیده‌ای سروده است؛ اما در آن دوره سه پادشاه به نام تاج‌الدین سنجر وجود داشته‌اند. صباح‌الدین عبدالرحمن تاج‌الدین شیر خان را ممدوح عمید دانسته است؛ اما استاد این نظریه را رد می‌کند و سنجر کریت خان را ممدوح عمید می‌شمارد چرا که در قصیده‌ای که در مدح سنجر خان نوشته شده است، ذکری از کشتی و بحر و آب آمده و کریت خان شحنه بحر و کشتی بوده است. بنابراین عقیده استاد درست به نظر می‌رسد.

عمید ترجیع‌بندی طولانی با صنعت مکرر نوشته است که در آن نام ممدوح قطب‌الدین حسن ذکر شده است. مطالعه طبقات ناصری نشان می‌دهد که در آن دوره دو نفر به نام قطب‌الدین شهرت داشتند. اول یکی از پسران التتمش که هیچ‌وقت به تخت سلطنت دهلی نشست و به همین دلیل استاد وی را ممدوح عمید نمی‌شمارد. استاد، قطب‌الدین حسن را که یکی از ملوک غور حاکم قلعه تولک و سیفرود بود ممدوح عمید می‌داند. او در سال ۶۲۰ ق به هند آمد و در دستگاه التتمش رسیده و به پایه ملکی سرفراز گشته است. استاد همین طور برای ممدوحان دیگر هم اطلاعاتی سودبخش فراهم آورده است.

استاد بعضی از اشعار و منظومه‌های منسوب به عمید را الحاقی قرار می‌دهد؛ مثلاً استاد قصیده‌ای را که در مونس‌الاحرار کلاتی و خلاصه‌الاشعار نقل شده است، به وجوه زیر الحاقی می‌داند:

۱. هیچ‌یک از ممدوحانی که نامشان در قصیده آمده است، در دوره عمید نبوده‌اند.

۲. سوزنی شاعر (۵۶۹ یا ۵۷۲ ق) بیت اول از مطلع این قصیده را صد سال پیش از عمید تضمین کرده است.

۳. دیوان معزی شامل این قصیده است و همین قصیده در نسخه‌ای از مجموعه اشعار (کتابخانه دانشگاه اسلامی علیگر، مخطوطه ۴۷) به نام دقیقی نقل شده است. دو قصیده دیگر نیز به اشتباه به عمید نسبت داده شده‌اند. استاد قبل از نقد متن خلاصه نسخه مکشوف را نیز نوشته است.

استاد در تدوین متن دیوان، تمام واژه‌ها، کلمات و ترکیبات به کار برده شده را بررسی کرده است و درباره کلمات و ترکیباتی که به نظر او نامأنوس بوده‌اند، توضیحاتی

از فرهنگ‌ها و منابع دیگر بیان کرده و اشعار شعرای نامور را شاهد آورده است. برای نمونه چند واژه و ترکیب را در اینجا ذکر می‌کنم:

در منظومه اول که در حمد باری تعالی است، عمید ترکیب آب کار و کار آب آورده است. استاد نه تنها معنی آب کار (به معنی آبرو) و کار آب (به معنی شراب به افراط خوردن) را در حاشیه نقل کرده است، بلکه اشعار زیر را از کمال اسماعیل و سراجی شاهد آورده است:

رومی روز آب کارت برد و تو در کار آب شب رخت عمرت برد و تو در پنج و چار
(کمال اسماعیل)

هر کسی در کار استقبال و تو کار آب کار آب از کف بنه آب کار اکنون رسید
(دیوان، ص ۱۵۶)

نطع به معنی بساط، معصفر به معنی گل کاجیره، مطیعه به معنی اشتر بارکش، صولحان معرب چوگان، هوان معنی ذلت و خواری، پهرمان نوعی از بافته ابریشمی، جواز به عربی اجازت و خط راه، همین طور معنی صدها واژه را به صراحت بیان کرده است. به نظر استاد، عمید فقط شاعر نبود، بلکه وی در علوم مختلف نیز استاد بوده است؛ چرا که در اشعار خود به قرآن، سنت، علم نجوم و تاریخ نیز استناد کرده است. مثلاً در بیت زیر از سوره ۸۹ آیه ۲۷ و ۲۸ استفاده کرده است:

گر از مطیعه اماره جان فروناید براق ارجعی از غیب زیر ران نکشد
(دیوان ص ۷۸)

شاعر در اشعار قصیده عارفانه خود نام سیارگان عطارد، برجیس، زحل، قمر و خور را به کار برده است. استاد نام عربی و فارسی همه سیارگان و بروج افلاک را در حاشیه نوشته است.

استاد تعلیقاتی ۸۵ صفحه‌ای نیز در آخر دیوان اضافه کرده و مقدمه انگلیسی مفصل‌تری از مقدمه فارسی نوشته و کار تصحیح دیوان را به پایان رسانده است. کار تخریب به مطالعه وسیع و تلاش و کوششی طاقت‌فرسا نیاز دارد. تعلیقات استاد نشان می‌دهد که وی علاوه بر ادبیات در علوم دیگر نیز مهارت داشته است.